



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات مرکز

رساله برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (ph.d)

رشته مدرسی معارف اسلامی-گرایش اخلاق و عرفان

**عنوان: تحلیل شرایط اعتبار شهودات فراطبیعی از دیدگاه ابن**

**عربی و علاءالدوله سمنانی**

مهدی افتخار

استاد راهنمادکتر مهدی زمانی

استاد مشاور اول دکتر سیدعلی علم الهدی

استاد مشاور دوم دکتر علیرضا اژدر

فروردین ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## چکیده فارسی رساله

تجربیات درونی و شهودهای شخصی از لحاظ مرتبه وجودی و یقین آوری ضعیفتر از تجربیات بیرونی نیست؛ لذا نباید اهمیت و واقع‌نمایی حواس باطنی و تجربیات درونی را کمتر از تجربیات بیرونی دانست.

با توجه به نظرات محی ابن عربی و علاءالدوله سمنانی جهان در حالی که دارای طبقات است اما وحدت بر آن حاکم است. لایه‌های وجود انسان با لایه‌های هستی همسرخ و هممترانند. روح انسان مجرد است و لذا محدودیت زمانی و مکانی برای اتصال با معلوم ندارد. تنها انصراف از جسم و دنیای مادی و توجه به ملکوت لازم است تا ماورای ماده و مادیات ادراک شود. اتصال با عالم غیب عبارت دیگری از این توجه است. اصل سلوک عرفانی نیز همین توجه به قدس عالم است. روشهای سلوکی مثل تزکیه نفس، عزلت، نفی خواطر و ذکر همه هموارکننده مسیر این توجه است.

اعتدال جسمی، ذهنی و روحی، تزکیه نفس، صیقلی کردن دل، مطابقت با صور عقلیه در لو ح محفوظ، از علل وجودی شهودات عرفانی صحیح است. شیخ و مراد خروج روح از بدن و فنا از جهتی ثبوتاً و از جهت دیگر اثباتاً ملاک اعتبار اینگونه شهودات است. بداهت (یقین آوری)، عقل، مطابقت با متون دینی، مطابقت با احکام دینی، اجماع اهل عرفان، آزمایش و تجربه، اثباتاً مشخ‌ص‌کننده ادراکات صحیح از غیر صحیح می‌باشد.

کلید واژه:

مکاشفه، تمثیل، آگاهی شهودی، معیار شناخت عرفانی، ابن عربی، علاءالدوله سمنانی

۱	کلیات	
۱	۱. طرح مسئله	
۴	۲. ضرورت بحث	
۶	۳. پرسش های تحقیقی	
۷	۴. روش تحقیقی	
8	1.4 مبنا قرار دادن هستی شناسی خاص عارفان	
11	2.4 بررسی تجربیات مستند در زمینه ادراکات فراحسی	
11	3.4 استفاده به جا از عقل و خصوصاً فلسفه اسلامی	
۱۲	۱. فصل اول: پیشینه تاریخی بحث	
13	1.1 ادراکات فراطبیعی در ادلن ابراهیمی	
13	1.1.1 ادراکات فراطبیعی در عهد عشق و جدی	
15	2.1.1 ادراکات فراطبیعی در قرآن	
20	3.1.1 جمع بندی	
21	2.1 ابن سرها و تحلیل فلسفی / فیلولوژیکی رؤیای صادق و امثال آن	
34	1.2.1 خصوصیات ادراکات فراطبیعی از نظر ابن سرها	
35	2.2.1 جمع بندی	
37	3.1 شرح اشراق	
40	1.3.1 نظر سهروردی در باره چرایی و چگونگی ادراکات فراطبیعی	
43	2.3.1 جمع بندی	

44	صدرالمتألهين	4.1
44	اصول اساسی که انواع ادراکات بشری بر آن ها مبتنی است	1.4.1
48	شرایط کشف صحیح و اطلاع از غیب	2.4.1
50	ماهیت وحی نبوی از نظر ملاصدرا	3.4.1
52	جمع بندی	4.4.1
53	ادراکات فرا طبیعی در فلسفه معاصر	5.1
53	روح و ذهن در فلسفه جدی	1.5.1
56	فلسفه عرفان	2.5.1
57	جمع بندی	3.5.1
۵۸	۲ فصل دوم : محی الدین ابن عربی	
59	خیال مطلق از دیدگاه محی الدین عربی	1.2
60	خیال در لغت و حکمت قدیم	1.1.2
62	خیال از نظر ابن عربی	2.1.2
64	خصوصیات عوالم خیال	3.1.2
۶۴	۱- تغییر و تبدل همیشگی	
۶۵	۲- قابلیت نامحدود برای پذیرش اشکال و قوانین مختلف و حتی متناقض نما.	
۶۶	۳- داشتن لایه های متعدد	
۶۷	۴- نمادین و دارای تعبیر بودن	
68	4.1.2 عالم خـل از کجا آغاز می شود؟	
70	عالم مثال	2.2
73	مقام انسان کامل و کمالات او از نظر ابن عربی	3.2
74	قلب محل انواع علوم غیبی	4.2

76	علوم وهی و غی وهی	5.2
77	علم واقعی و انواع آن از نظر ابن عربی	6.2
78	علم الاسرار	7.2
79	الهام و علم لدی	8.2
79	فراست	9.2
80	روایح	10.2
80	لوامع ، طوابع ، لواحج	11.2
81	محادثه، مشاهده	12.2
81	مکاشفه	13.2
83	ارتباط با ارواح	14.2
84	خواطر	15.2
85	وحی	16.2
86	خلوت و اربعین	17.2
89	شرایط خلوت	1.17.2
91	نتایج خلوت	2.17.2
93	تحلیلی نحوه کسب اطلاع از غیب از نظر ابن عربی	18.2
98	علت تفاوت مکاشفات اهل کشف	19.2
99	تفاوت کشف از برزخ نزولی و صعودی	20.2
100	مکاشفاتی که نباید به آن ها اعتنا کرد	21.2
105	شرایط و علایم صحت مکاشفه از نظر محیی الدین عربی	22.2

۱۰۶

۳ فصل سوم علالالدوله سمنانی

106

1.3 زمیه های فکری و اعتقادی سمنانی

110	2.3 علم کسبی و وهی
111	3.3 خواطر
111	4.3 طبقات و انواع انوار از نظر سمناری
115	5.3 انواع تجرؤت از نظر سمناری
117	6.3 وحی و نبوت از نظر سمناری
119	7.3 مراقبه و خلوت از نظر سمناری
119	1.7.3 تعریف مراقبه و خلوت و مقدمات آن
120	2.7.3 شرائط خلوت از نظر سمناری
124	3.7.3 نتایج مراحل هفت گانه خلوت و ادب سالک در هر مرحله
129	8.3 تعیین صحت و سقم مکاشفات از نظر سمناری
129	1.8.3 مقایسه با قرآن و سنت پیمبر اسلام
130	2.8.3 عقول کامل و عدم تردی
131	3.8.3 عدم غرور و پندار کمال
131	4.8.3 دیدن انوار یا تبدیل شدن به نور
132	5.8.3 لذت روحانی
133	6.8.3 نظر و ارشادات و توضیحات شرح و مراد
133	7.8.3 در نظر داشتن اختلاف قابلیتها و خصوصیات سالکان
134	8.8.3 مرگ اختاری
134	9.8.3 تفسیری و تأویلی صحیح ادراکات فراطبیعی
138	10.8.4 مکاشفه مهدویت
139	9.3 ذهن، فضای مکاشفه صوری
۱۴۲	۴ فصل چهارم : تحلیل های نهایی
142	1.4 ماهیت ادراکات فراطبیعی
150	2.4 مراتب آگاهی
152	3.4 ذهن، فضای مکاشفه



152	تفسیرهای ادراکات فراطبیعی از نظر ابن عربی و سمنانی	4.4
154	جمع بندی دیدگاه ابن عربی و سمنانی در باب ادراکات فراطبیعی	5.4
160	تفسیر ادراکات فراطبیعی	6.4
163	محتوا	1.6.4
164	نوع ادراک (از لحاظ قالبی که در آن دریافت می شود)	2.6.4
165	حالات جسمی و ذهنی (زمینه ها و مقدمات دروی)	3.6.4
166	عوامل محیطی و بیرونی	4.6.4
166	عامل ادراک	5.6.4
166	عرفانی بی غی عرفانی بودن ادراک	6.6.4
167	دهی بی غی دهی بودن	7.6.4
167	وسایل	8.6.4
167	بچمدهای دروی و بیرونی ادراکات	9.6.4
168	تقریب آوری و وضوح تفسیری خود فرد از آن ادراک	10.6.4
168	کشف صوری و معنوی در عرفان اسلامی	7.4
169	ویژگی های کشف صوری	8.4
172	کشف معنوی	9.4
174	تمثل	10.4
183	رؤیت در آخرت	11.4
183	رؤیت در خود	12.4
184	بررسی شرایط و علائم صحت و سقم مکاشفات	13.4
187	تزکیه نفس	1.13.4
189	صیقلی کردن دل	2.13.4
191	اطمینان از سلامتی بدن و مغز	3.13.4
195	اتحاد با نفس الامر	4.13.4
199	عقل	5.13.4
206	مطابقت با متون دینی	6.13.4
210	مطابقت با احکام دینی	7.13.4

212	شرح و مرشد	8.13.4
214	بدهت، (یقین آوری)	9.13.4
216	مطابقت با صور عقليه در لوح محفوظ	10.13.4
220	اجماع اهل عرفان	11.13.4
221	آزمایش و تجربه	12.13.4
223	خروج روح از بدن	13.13.4
225	فنا	14.13.4
226	نور و دین انوار	15.13.4
235	کرامت ، علامتی برای کشف صحیح	16.13.4
235	لذت روحی	17.13.4
236	سازواری دروی	18.13.4
237	معرفی دار بودن	19.13.4
238	مفیی بودن	20.13.4
239	<b>تفسیر شرایط و علائم صحت مکاشفه به : ثبوتی و اثباتی</b>	<b>14.4</b>
240	<b>تفسیر دیده ها</b>	<b>15.4</b>
242	تفهیم، با تعبیر گوئیده و فهم مخاطب	16.4
244	نبوت و وحی	17.4
249	قرآن، وحی الهی و مصداق بارزی از مکاشفه صحیح	18.4
253	ضرورت تأوی در فهم قرآن	19.4
255	نسبت تجربیات عرفانی با گزاره های دینی	20.4
۲۶۱		منابع





## کلیات

### ۱. طرح مسئله

مسئله اصلی مورد تحقیق در این رساله، ملاک اعتبار ادراکات فراطبیعی است. برای "اعتبار" در زمینه گزاره های حاوی اخبار غیبی، یعنی محتوای ادراکات فراطبیعی می توان چهار معنای مشخص در نظر گرفت: ۱- صادق بودن و مطابقت با واقع. ۲- قطعی و مستند بودن ۳- تکلیف آور و مجزی بودن به عنوان وظیفه ای دینی یا وظیفه ای الهی و آسمانی. ۴- قابل استفاده بودن در عمل.

تمام معانی مذکور را می توان برای معتبر بودن ادراکات فراطبیعی در نظر گرفت اما معنای اصلی مورد نظر این رساله معنای اول است.

ادراکات فراطبیعی در مقابل ادراکات طبیعی قرار دارد که شامل مدرکات حواس پنجگانه ظاهری است و بطور طبیعی در هر انسان سالمی یافت می شود. ادراکات طبیعی حتی در حیوانات نیز با شدت و ضعف و یا به اشکال دیگری وجود دارد.

ارتباط ما با عالم و خودمان و کسب علم و آگاهی از واقعیات درونی و بیرونی از طرق مختلفی صورت می گیرد. برخی از این طرق در همه انسان های سالم وجود دارد و برخی دیگر در افراد خاص و یا در شرایط خاص و ویژه ای رخ می دهد که از این جهت به آن ها فرا طبیعی گفته شده است. البته از آن جهت که این گونه ادراکات برای همه انسان ها کمابیش امکان پذیر است (مانند رؤیای صادقه که حاوی اخباری از آینده است) می توان آن ها را نیز طبیعی نامید. قید "فرا" به برتر بودن ادراکات فراطبیعی نسبت به ادراکات طبیعی اشاره دارد. چون معلومات حاصل شده در این گونه ادراکات شامل طیف

وسیع‌تری از اطلاعات است. ادراکات فراطبیعی در افرادی دیده می‌شود که از لحاظ روحی و روانی در شرایط بهتر و سطح فکر بالاتر و تمرکز بیشتری نسبت به دیگر انسان‌ها قرار دارند و یا لاقلاً در شرایط خاصی به سر می‌برند که دسترسی آن‌ها را به اطلاعاتی که در دسترس دیگران نیست میسر می‌کند. روشن است که "ادراکات فراطبیعی" از "ادراکات غیر طبیعی" به معنای ادراکات غیر واقعی کاملاً جداست و اصطلاح دوم مربوط به افرادی است که دارای مشکلات روانی و آسیب‌های مغزی می‌باشند، و یا تحت تأثیر مواد روان‌گردان دچار توهم گردیده‌اند.

شهودات فراطبیعی بخشی از ادراکات فراطبیعی هستند که در آن‌ها، اطلاعات در قالب تصاویر یا رنگ‌های قابل مشاهده درک می‌شود. به انواع ادراکات باطنی از آن لحاظ که حقیقتی به شدت واقعی می‌نماید و مشاهده بصری نیز شدیدترین حس ظاهری است، می‌توان "شهود" گفت. به این ترتیب اصطلاح ادراک فراطبیعی با اصطلاح شهود فراطبیعی مترادف خواهد بود. ادراکات فراحسی<sup>۱</sup> نام دیگری برای ادراکات فراطبیعی است. درک بدیهیات اولیه عقل نظری نیز از آن جهت که علمی حضوری است و با مشاهده‌ای درونی حاصل می‌شود را می‌توان شهود عقلی نامید؛

هرچند در شهودات فراطبیعی طبقه بندی نمی‌شود. (در باره اصطلاح شهود به معنای مکاشفه در بیان نظرات ابن عربی توضیح کافی خواهد آمد)

واردات باطنی اهل سلوک و عرفان قسمت عمده‌ای از این قبیل ادراکات است که به علم منامات و نبوات معروف می‌باشد. وحی، الهام، مکاشفه، رؤیای صادقانه، از انواع روشن و متداول این قبیل ادراکات است. (در فصول آتی به تفصیل انواع این ادراکات مطرح گردیده و مورد بررسی قرار می‌گیرد).

در عرفان عملی بر اثر تحولات روحی و روانی در شخص، انواعی از ادراکات غیر معمول نسبت به بخش‌های غیرقابل دسترسی از واقعیات ظاهری و باطنی ایجاد می‌شود که یکی از مباحث

---

<sup>۱</sup> - extra-sensory perception

اساسی عرفان را شکل می دهد. یکی از اهداف اصلی سلوک، رسیدن به معارف حقیقی و انواع تکامل یافته ای از شناخت می باشد که طبعاً این گونه شناخت را می توان به ناقص و کامل و درست و نادرست تقسیم نمود. لذا تشخیص واردات قلبی صحیح از نا صحیح برای کسی که به سلوک به عنوان مسیری برای دسترسی به واقعیت می نگرد کمال اهمیت را دارد.

ادراکات فراطبیعی ارتباط تنگاتنگی با روان، ذهن و همچنین مغز انسان دارد. در عرفان عملی از ضرورت حفظ سلامت بدن، خصوصاً مغز و لزوم باز شناسی تخیل از کشف صحیح سخن به میان می آید اما طبعاً محل اصلی بحث از سلامت جسم و ذهن، عرفان نمی باشد بلکه به عنوان مبادی تصویری و تصدیقی، باید در علم دیگری مورد بحث قرار گیرد. نزدیک ترین و وابسته ترین علوم تجربی به مسئله مورد بحث ما، فیزیولوژی مغز و اعصاب؛ و روان شناسی با رویکرد های خاصی مانند روان شناسی فیزیولوژیک، روان شناسی شناختی و روان شناسی معنا گراست. بحث عمده در روانشناسی، مراحل رشد ذهنی و تعادل آن است که از رشد شناختی و چگونگی شکل گیری تصورات و باورها و همچنین از نارسایی های تعقل صحبت به میان می آید.

امروزه نوع جدیدی از روان شناسی تحت عنوان "فرا روان شناسی"<sup>۲</sup> مطرح است که توجه خاصی به ادراکات فراطبیعی دارد.

از سوی دیگر ماهیت وجودی و پدیداری<sup>۳</sup> ادراکات باطنی و شهودی و میزان واقع نمایی آن و این که آیا چیزی به عنوان ادراکات عرفانی می تواند مکمل عقل محسوب شود، قسمت مهمی از مبحث شناخت شناسی<sup>۴</sup> در فلسفه قدیم و جدید را به خود اختصاص می دهد. به این ترتیب مسئله واقع نمایی

---

<sup>۲</sup> - parapsychology

<sup>۳</sup> - ontology

<sup>۴</sup> - epistemology

ادراکات فراحسی مسئله ای میان رشته ای خواهد بود که برای حل آن چاره ای جز بررسی آن از سه جنبه عرفان، فلسفه و روان شناسی نیست.

## ۲. ضرورت بحث

داشتن معیار هایی برای بررسی صحت و سقم ادراکات فرا حسی به دلایل زیر الزامی است:

الف: وجود شبهات اعتقادی متنوع درباره ره آورد ادیان .

ب: نیاز مبرم انسان عصر حاضر به معنویات و کشف حقایق باطنی .

ج: رشد قابل ملاحظه افراد و گروه های مدعی ارتباط با عوالم غیب .

د: فاصله گرفتن علوم مختلف مرتبط با انسان و حتی انکار یکدیگر .

ه: لزوم مطالعات میان رشته ای در باره ادراکات فراطبیعی .

به این ترتیب ارائه روشی جدید برای پژوهش در این موضوع به نحوی که بتواند علوم مختلف ذی ربط را به یکدیگر نزدیک کرده و حتی المقذور تحت طرحی واحد به نتایجی قابل استفاده برای آن ها رهنمون گردد، ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید.

این تحقیق می تواند دارای کاربرد های نظری و عملی باشد.

کاربرد نظری:

امروزه در فلسفه اسلامی مباحث روان شناسی جدید مطرح نمی شود و بحث هایی که درباره تجربه دینی یا شهود در فلسفه ی غرب مطرح است از مبانی دقیق فلسفی و عرفانی خالی است. عرفان هم از حیث مبانی نظری و روان شناختی به خاطر درجازدن در طبیعیات و فلسفه قدیم دچار ناهمبانی با زبان علمی عصر حاضر شده است؛ این در حالی است که چنین علومی دارای مسائل مشترکی می باشند.



این مسئله را با توجه به شکل خاصی که یافته است می توان یکی از مباحث جدید دانست که با توجه به طبیعیات امروز و فلسفه ذهن جواب های جدیدی می طلبد. این تحقیق می تواند از لحاظ نظری در موارد زیر مؤثر باشد:

الف- نزدیک شدن رشته هایی از دانش که هر کدام از دیدگاه خاص خود به تحقیق درباره ادراکات انسان می پردازند.

ب- باز کردن زاویه دید علوم بر جنبه های متفاوتی از ادراکات بشری.

ج- گسترش روش های تحقیق هر رشته.

د- به دست آوردن افق های جدید تری برای درک حقیقت انسان و مختصات روحی و روانی

او.

کاربرد عملی:

روان شناسان و روان پزشکان دچار سر در گمی در مواجهه با پدیده های فرا روانی هستند و علم سکولار امروز و تجربه گرایی بیش از حد و بی مورد، موجب غفلت از جنبه های اصلی و بسیار مهم حقیقت انسان شده است. بنابراین:

الف- همه افراد و مؤسساتی که به نحوی درگیر مسائل روحی و روانی می باشند اعم از روان شناسان و روان پزشکان و مؤسسات خصوصی که جهت سلامت روانی افراد فعالیت می کنند، می توانند نتایج این رساله را مورد استفاده قرار دهند.

ب- همچنین این رساله می تواند برای آسیب شناسی نحله ها و مدعیان ادراکات فراطبیعی مورد استفاده باشد.

### ۳. پرسش های تحقیق و فرضیات

الف) پرسش های اصلی:

۱- دیدگاه علاءالدوله سمنانی و محی الدین عربی درباره طبقه بندی ادراکات فراطبیعی چه اشتراکات یا اختلافاتی دارد؟

۲- مکانیزم حصول مکاشفه، یعنی تأثیر حالات آگاهی و مرحله سلوکی فرد در شکل گیری ادراکات فراطبیعی از نظر علاءالدوله سمنانی و محی الدین عربی چگونه است؟

۳- آیا امکان ارائه معیارهایی برای کشف صحت و سقم ادراکات فراطبیعی وجود دارد؟

۴- معیارهای ارائه شده توسط ابن عربی و سمنانی تا چه حد کارایی دارد؟

ب) پرسش های فرعی که در این باره به نظر می رسد عبارتند از:

- نقش مغز و فعالیت های آن، و نقش ذهن و حالات آگاهی در شکل گیری ادراکات فراطبیعی چگونه است؟

- تعریف سلامت و اعتدال روانی به نحوی که تعیین کننده صحت ادراکات فراطبیعی باشد چیست؟

- به طور کلی طبقه بندی ادراکات فراطبیعی به صورت واقع بینانه و قانع کننده چگونه است؟

- به مواردی که ابن عربی و سمنانی برای کشف صحت مکاشفه ذکر کرده اند چه موارد دیگری می توان افزود؟

- از نظر علاءالدوله سمنانی و محی الدین عربی تعریف سلامت و اعتدال روحی به نحوی که تعیین کننده صحت ادراکات فراطبیعی باشد چیست؟

فرضیات:

-ابن عربی و سمنانی دو عارف بزرگ اند که به خاطر واحد بودن حقیقت با پیمودن راه سلوک باید به نتایج مشترکی رسیده باشند.

-مکاشفه از دید ابن عربی و سمنانی اتصال با متن حقیقت است.

-در ادراکات فراطبیعی و مکاشفات عرفانی نیز مانند دیگر راه های شناخت امکان خطا و راه هایی برای کشف خطاها وجود دارد.

-معیارهای ارائه شده توسط ابن عربی و سمنانی هر کدام به تنهایی کارایی کافی ندارد بلکه مجموعه ای از آنها می تواند اعتبار مکاشفه را به اثبات برساند.

#### **۴. روش تحقیق**

از آن جا که هرکدام از سه رشته عرفان، فلسفه و روان شناسی، از دریچه ای خاص به موضوع مورد بحث می نگرند. لذا لازم است از یافته های هر سه، به نحوی که مکمل هم باشند استفاده شود. در این جهت مقایسه معیارهایی که در عرفان و فلسفه و روان شناسی برای سنجش ادراکات وجود دارد و یافتن زبانی مشترک و نقاط قوت و ضعف هر کدام اجتناب ناپذیر می نماید. به نظر می رسد با تلفیق روش های تحقیق در علم النفس قدیم و عرفان از یک طرف و روان شناسی و فلسفه از طرف دیگر می توان به معیارهایی برای تعیین صحت و سقم ادراکات فرا حسی دست یافت.

برای نیل به این مقصود چاره ای جز استفاده از کشفیات جدید علوم زیستی اعم از فیزیولوژی مغز و اعصاب و مثال آن و استفاده از گزارش های موجود در این زمینه نیست تا بتوان در نهایت به طرحی واحد که بتواند چگونگی حصول این ادراکات و چگونگی کشف صحت و سقم آن ها را توضیح دهد نائل شد. البته روشن است که جواب ما نباید مبتنی بر نظریه فلسفی مردود یا خارج کردن عرفان و

نفی جنبه های ماورای طبیعی مسئله از صحنه گردد. چرا که از مفروضات ما در این رساله وجود عالم غیب و امکان دسترسی به آن است.

در این طرح عمدتاً جنبه نظری و تحلیلی ترجیح دارد و کار میدانی در دستور کار قرار نگرفته است. تمرکز این پژوهش بر روش توصیفی با جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی و سپس تحلیل گزارش های موثق و اطلاعات قابل استفاده موجود در این زمینه و در نهایت نقد و بررسی است.

در این تحقیق نظر محی الدین عربی و علاءالدوله سمنانی به عنوان دو عارف بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است. از لحاظ فلسفی تکیه اصلی بر نظر فیلسوفان اسلامی خصوصاً ابن سینا، شیخ اشراق و صدر المتألهین است. سپس علوم زیستی و روان شناسی نیز به طور محدود مورد استفاده بوده است. از آنجا که چیستی و چگونگی تجربه دینی به شکلی که امروزه در غرب مطرح است بر الهیات دینی (خصوصاً الهیات اسلامی) و اعتقاد به ماوراء طبیعت استوار نیست و تعریف عارف و عرفان در مباحث کلام جدید غربی با تعریف آن در اسلام تفاوت فراوان دارد؛ و از جانب دیگر موضوع این رساله کشف ملاکهای صحت ادراکات فرا طبیعی به عنوان راهی قابل اعتماد برای شناخت است نه اثبات گزاره های دینی، لذا در بحث از کشف و شهود عرفانی نیازی به مطرح کردن مباحث تجربه دینی به نظر نمی رسد هر چند در تاریخچه بحث به آن اشاره ای خواهد گردید و در بیان نتایج به مروری گذرا بر رابطه تجربیات عرفانی و گزاره های دینی از نظر نگارنده اکتفا خواهد شد.

روش این تحقیق به طور خاص موارد می باشد:

#### **۱.۴ مبنا قرار دادن هستی شناسی خاص عارفان**

طبیعی است که هر نوع خاصی از شناخت شناسی بر وجود شناسی خاصی استوار است. در مرحله وجود شناسی اگر کسی به عالم غیب و باطن داشتن ظواهر دنیوی معتقد نباشد در مرحله شناخت شناسی نمی تواند به ادراکاتی که گویای حقایق ماورای محسوسات هستند باور داشته باشد.